

مدینه فاضله در ساختارشناسی تفکرات آیه‌الله جوادی آملی

کاظم افرادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۵

چکیده

توصیف آرمان شهر یکی از مقوله‌هایی است که اندیشمندان مختلفی از جمله اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ بدان پرداخته‌اند. در این میان دین اسلام نیز حامل تعلیم و حیانی و عقلانی است که آرمان شهر مطلوب انسانی را به تصویر می‌کشد. سلسله آرمان شهرگرایان مسلمان از فارابی آغاز شده و تا دوران معاصر امتداد داشته و یکی از متأخرترین اندیشمندان آرمان‌گرا آیه‌الله جوادی آملی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین آرای آرمان شهری ایشان با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن ارائه چارچوبی کلی برای شناسایی نقاط کلیدی در تفکرات یک آرمان‌گرا و ارتباط بین آن نقاط، مدل تفکر آرمان شهرگرایی ایشان را بررسی نموده است. ایشان به عنوان یکی از اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان معاصر معتقد است در دوران غیبت، امکان ایجاد حکومت اسلامی با هندسه مشخص وجود دارد. و در دوران ظهور نیز حضرت ولی عصر (عج) به عنوان انسان کامل، با قرار گرفتن در مسند حکومت، استعداد بالقوه مقام خلیفه‌اللهی در انسان‌ها را شکوفا می‌کند. مدینه فاضله‌ای که در نهایت تشکیل خواهد شد تنها پوسته محسوب می‌شود و بلکه هدف متوسط خلقت انسانی است؛ در حالی که انسان کامل، روح آن مدینه است.

کلیدواژه‌ها: آرمان شهر در مکتب اسلام، آیه‌الله جوادی آملی، حکومت اسلامی، مدینه فاضله مهدوی.

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران Kazem55@ymail.com.

آرمان خواهی بزرگ‌ترین عامل حرکت و تکامل آدمی بوده و او را واداشته تا هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نشود. آرزوی به زیستن و داشتن زندگی آرام، با زندگی بشرع‌جین بوده و در طول تاریخ از آن جدا نشده است. رؤیای مزبور در زندگی انسان به گونه‌های مختلف تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری برای تعبیر شدن آن، چاره‌ها اندیشیده‌اند و آن را در قالب «اتوپیا» یا «مدینه فاضله» مطرح کرده‌اند که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود، اثر و نشانی نباشد.

جدا از آرای اندیشمندان غرب و شرق دور، در میان اندیشمندان مسلمان نیز نظریات و توصیفات متفاوتی از آرمان شهر در طول تاریخ از فارابی گرفته تا شیخ بهایی و محمدباقر مجلسی وجود دارد. در قرون معاصر نیز این سلسله نظریات ادامه داشته، به گونه‌ای که از سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان سرسلسله آرمان‌شهرگرایان اسلامی معاصر، افراد مختلفی تا دکتر شریعتی و شهید مطهری حضور دارند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلام مبنای ایران به واسطه تجربه حکومتی متفاوت، آراء متفاوتی نیز ظهور کرده است. صاحب یکی از این آرای گوناگونی شخصیتی به نام آیه‌الله جوادی آملی است که از آغاز تشکیل جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی با آن همراه بوده و در سال‌های اخیر در سوق دادن تفکرات آرمان شهری به حوزه مهدویت و آرمان شهر مهدوی تأثیرگذار بوده است.

آیه‌الله جوادی آملی، مفسر قرآن و از نظریه پردازان مبحث حکومت دینی و لوازم آن از منظر اسلام به شمار می‌رود. تاکنون از ایشان کتاب‌های فراوانی در ابعاد مختلف فلسفی، فقهی، حقوقی، تربیتی، قرآنی و اخلاقی به چاپ رسیده است. در این میان بحث‌های پیرامون جامعه آرمانی و در اصطلاح آرمان‌شهرگرایی یا مدینه فاضله، موضوعی است که ایشان در تألیفات مختلف به صورت پراکنده ارائه کرده است. مقاله حاضر با هدف شناخت تفکرات آرمان‌شهرگرایی این اندیشمند معاصر و از طریق مطالعه آثار مختلف ایشان، در پی استخراج چارچوب کلی این تفکرات با شیوه پژوهشی توصیفی - تحلیلی و مقایسه مختصر آنها با مشخص‌ترین ویژگی‌های تفکرات برخی از مهم‌ترین آرمان‌شهرگرایان سنتی و معاصر است.

تبارشناسی افکار آیه الله جوادی آملی

مشرب سیاسی ایشان بیشتر برگرفته از امام خمینی و شهید مطهری است، در حالی که مشرب تفسیری ایشان از قرآن بیشتر برگرفته از علامه طباطبایی است. و در حوزه فلسفه نیز غیر از علامه طباطبایی متأثر از ملاصدرا است و بر این مبنا شرح اسفار و رحيق مختوم را نگاشته است. مجموعه «رحیق مختوم» که افزون بر سی جلد خواهد شد و در دست تدوین و نشر است، مبسوط‌ترین و کامل‌ترین شرح حکمت متعالیه به شمار می‌رود. ابن عربی نیز یکی از اندیشمندان تأثیرگذار در آرای آیه الله جوادی آملی بوده است.

به گفته خود ایشان «مترصد یافتن اصول قوی و مستدلی بودیم که از بار عقلی و استدلال کافی برخوردار باشد و بحث اصول امام خمینی را دارای چنین ویژگی مهمی یافتیم»^۱. امام خمینی به عنوان استاد وی تأثیر بسزایی در توسعه افکار سیاسی ایشان داشته است. وی به مدت ۲۵ سال نیز شاگرد علامه طباطبایی بوده است و از علامه فلسفه، عرفان و تفسیر آموخته و خوشه چین استادان دیگری از جمله آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه، آیه الله محقق داماد رحمته الله علیه و آیه الله میرزا هاشم آملی رحمته الله علیه و آیه الله فاضل تونی (فقیه مجتهد و استاد برجسته فلسفه، منطق و ادبیات عرب) بوده است.

«ایشان در فقه، تفسیر، اصول فقه و عرفان نظری نیز گرایش عقلی خود را رها نمی‌کند. در تدریس عرفان مباحث را برهانی می‌کند و اگر چیزی با ظاهر قرآن و روایات نسازد، آن را به نقد می‌کشد. عقلی که اصول دین را ثابت کرده است، به نظر ایشان نمی‌تواند ناگهان در فروع دین دست بسته شود؛ حجیت عقل در مباحث فقهی و حقوقی، برای او جدی است. در خود فلسفه هم نه همچون علامه حسن زاده اشراقی مآب است و نه مانند آیه الله مصباح استدلالی محض؛ از یک مشی برهانی - عرفانی متناسب با حکمت متعالیه برخوردار است و البته در حکمت متعالیه نیز نقدها و نوآوری‌هایی دارد»^۲. عقلانیتی که وی به شدت مدافع آن است، چیزی از جنس عقل مدرن نیست. عقل و حکمت آن

۱. میری، محمدجوادی (۱۳۸۲)، ۲۱.

۲. همان.

گونه که وی می‌شناسد و می‌شناساند دشمنش بی‌تقوایی است، کمالش در عرفان و شهود است و همراه همیشگی‌اش وحی^۱.

چارچوب تحلیلی تحقیق

به طور کلی در بررسی آرای خاصی در تفکرات یک اندیشمند لازم است ابتدا شناختی از آن اندیشمند و آرای وی در زمینه موردنظر به دست آید. بررسی کتب، مقالات، پیام‌ها، طرح‌ها و سخنرانی‌های آن اندیشمند، راهگشای خوبی برای کشف و آگاهی نقاط کلیدی و سپس اتصال آنها به هم و تشکیل ساختار نظریات او خواهد بود (شکل ۱). تحلیل این ساختار نیز می‌تواند با بررسی تعداد نقاط کلیدی، میزان ارتباط، تناقض یا انسجام بین آنها صورت گیرد. برای مبنا می‌توان در بررسی موضوع آرمان شهر گزایی در تفکرات یک اندیشمند، مختصات عقیدتی، انسانی، اجرایی و کالبدی (جدول ۱) را به عنوان نقاط کلیدی شناسایی نمود و با اتصال صحیح آنها به یکدیگر ساختار کلی تفکرات آرمان شهری یک شهروار شناسایی و تحلیل نمود.



شکل ۱: تصویر شماتیک نقاط کلیدی و ارتباطات احتمالی بین آنها در تفکرات یک اندیشمند در هر حوزه خاص - مأخذ: نگارنده

۱. همان.

جدول ۱: مختصات کلیدی قابل تشخیص در تفکرات آرمان شهری یک اندیشمند- مأخذ: نگارنده

مختصات عقیدتی	خداوند	انسان	هدف	دین	هدف جامعه	زمان	ریشه	جامعه	عقل	اخلاق
مختصات اجرایی	مکان	قانون	قلمرو	محیط	حکومت	نحوه تحقق	صنعت	دوام	اقتصاد	
مختصات انسانی	رهبر	آموزش	علم	هنر	حاکم	نخبگان	قانون گذار	فرهنگ	مردم	ساکنان
مختصات فنی	کالبد	شکل شهر	معماری	نظام ارتباطات	حمل و نقل	کاربری ها	زیرساخت ها			

در ادامه نقاط کلیدی قابل شناسایی در آرای آیه الله جوادی در حوزه آرمان شهری به تفکیک بیان می‌گردد.

انسان شناسی

ایشان با تکیه بر علوم وحیانی معتقد است که انسان یک هویت ممتد است که بخش فوقانی او ملکوتی و مجرد است و بخش نازل او ملکی و مادی است. همچنین انسان مرکب از دو جزء نیست که این دو جزء ترکیبی انضمامی و بیگانه از هم باشد. «چنین موجودی هم با ملکوت در ارتباط است هم با ملوک، هم با غیب هم با شهادت، هم با گذشته هم با حال هم با آینده»^۱. براین مبنا معتقد است پرورش انسان نیز باید با توجه به همه ابعاد و ویژگی‌های برشمرده صورت گیرد.

ایشان بحث عقلانیت دوران کنونی، مدرن و پست مدرن را به علت اینکه معرفت شناسی اینها از حوزه حس و تجربه بیرون نمی‌آید، ناقص می‌داند و انسانیت انسان را به فراطبیعی بودن او می‌داند. از دیدگاه ایشان انسانی نخبه است که «از مواهب طبیعی و مواهب الهی صحیح بهره‌برداری کند و سعی کند بار دیگران را هم از دوش آنها بردارد و

۱. پیام به گردهمایی سعادت و سیادت دنیا و آخرت، ۱۳۸۸.

کل زمین را با فرهنگ دینی آباد کند»^۱.

به اعتقاد وی شناخت این گونه از انسان و اینکه هویت ممتد دارد و هم اکنون می‌تواند با غیب در ارتباط باشد، انسان را به منبعی غیبی متصل می‌کند. به واسطه این منبع، انسان مبانی‌ای را دریافت می‌کند؛ این مبانی به انسان عقل و عدل عطا می‌کند و آن‌گاه همه مسائلی که در علوم انسانی تدوین می‌شود بر محور عقل و عدل خواهد بود. ایشان تأکید می‌کند که «جامعه وقتی به مقصد می‌رسد که سه عنصر محوری؛ یعنی مواد قانونی، استخراج مواد از مبانی و استخراج مبانی از منبع را داشته باشد و فرق نظام اسلامی با غیر اسلامی در این است که ضلع سوم در نظام غیراسلامی وجود ندارد»^۲.

آیه‌الله جوادی آملی معتقد است «انسان مدینه فاضله است و خداوند متعال هرچه که در يك کشور عقل و عدل باید وجود داشته باشد را در درون انسان قرار داده است»^۳. و فقط کافی است انسان به درون خویش سر بزند و خدا را نیز از همین طریق بشناسد. از این رو انسانی که مدینه فاضله درون خود را شناخت به بیراهه نخواهد رفت. از نظرایشان «قانون، علم و فرهنگ سه خصوصیتی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است که قوانین عقلانی، قوه مجریه مدینه فاضله درون انسان و نفس لوامه، داور و قاضی این شهر است». وی از تعریف «انسان حیوان ناطق است»، سر باز زده، تعریف دین را از انسان «حی متألّه» می‌داند. ایشان از آن جهت که در میان همه افراد بشر یک جهت مشترک و پایدار وجود دارد، تأکید می‌کند که همه انسان‌ها می‌توانند در کنار یکدیگر زندگی صلح آمیز داشته باشند و ادامه می‌دهد که «قرآن این وجه مشترک را روح می‌نامد و بیان می‌کند که این روح، الهی است. از دید قرآن این اصل مشترک؛ یعنی فطرت، دارای سه ویژگی است: نخست اینکه خدا را می‌خواهد و بس؛ دوم اینکه در همه آدمیان به ودیعه نهاده شده است؛ و سوم اینکه از گزند هرگونه تغییر و تبدیل در امان است. بدین سان روشن است که آنچه می‌تواند به عنوان اصل

۱. پیام به بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۰.

۲. سوزنچی، حسین، علم دینی از منظر آیه‌الله جوادی آملی، اسراء، ش ۴، تابستان ۱۳۸۹، ص ۷۱.

۳. پیام به همایش آزادی انسان در اسلام، ۱۳۹۰.

مشترک میان همه انسان‌ها پذیرفته گردد، فطرت الهی است»^۱.

دین در مدینه فاضله

آیه‌الله جوادی در تعریف دین می‌گوید: «دین الهی، مجموعه قوانین و عقاید و مقرراتی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو آن هوی و هوس خود را کنترل و آزادی خود را تأمین کند»^۲. ایشان با توجه به نقص عقل در شناخت کامل می‌گوید: «عقل برای هدایت و تأمین سعادت انسان کافی نیست، بلکه عقل در جهت رشد و شناخت برخی از واقعیات، نیاز به دین دارد، زیرا عقل در شناخت برخی از مسائل عاجز است و در تشخیص حق و باطل دچار مشکل می‌شود. دین است که عقل را در تفسیر زندگی، شناخت جهان و شناخت مبدأ و معاد کمک می‌کند»^۳.

ایشان معتقد است علاوه بر همه مزایای دین برای انسان‌ها، یکی از فواید مهم آن این است که به زندگی معنا می‌بخشد و آن را از پوچی و بی‌هدفی رها می‌سازد و در مورد نقش دین در جهان بینی انسان ادامه می‌دهد: «جوهر دین را باید در این واقعیت جست‌وجو کرد که دین در واقع، ... کوششی برای نگرستن به جهان، به صورت یک واقعیت معنا دار است»^۴.

جامعه

جامعه مدنظری، جامعه‌ای است الهی مبتنی بر جهان بینی الهی. افراد آن جامعه معتقدند که «جهان و انسان را خدا آفریده و انسان، سرگذشت فراوانی داشته و عوالمی را در پیش رو دارد و هرگز با مرگ از بین نمی‌رود و چگونگی حیات و زندگی جاوید او در آینده، بستگی تام به حیات دنیایی و چگونگی رفتار و اخلاق و عقاید او در این دنیا دارد»^۵.

۱. لک زایی، رضا، سعادت متعالیه از منظر آیه‌الله جوادی آملی، اسراء، ش ۷، بهار ۱۳۹۰، ص ۹۱.

۲. جوادی آملی، عبد الله، نسبت دین به دنیا، ج ۲، ص ۷۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عبدیائی، نرجس، ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از منظر آیه‌الله جوادی آملی، نشریه موعود،

ش ۳۰، ص ۴۱.

ایشان با تشبیه جامعه آرمانی به بدن انسان، مقام خلیفه الهی را همچون باطن و روح جامعه می‌دانسته، مدینه فاضله فیزیکی ایجاد شده را ظاهر قضیه می‌داند و به بدن تشبیه می‌کند. «همان‌گونه که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می‌سازد، ولی اصالت از آن روح است و بدن پیرو روح می‌باشد... تأمین «مدینه فاضله» نیز برای پرورش انسان‌هایی است که در جهت «خلیفة الله» گشتن گام برمی‌دارند و اصالت در بین دو رکن یاد شده، همانا از آن خلافت الهی است»^۱. همچنین، این مدینه فاضله، هر چند از تمدن والا برخوردار باشد، پس از مدتی ویران می‌گردد، ولی «خلیفة الله» که همان انسان کامل است، از گزند هرگونه زوال مصون است. بنابراین، مدینه فاضله وی ناپایدار و به منزله بدن است و انسان کامل، به مثابه روح آن؛ و «همان‌گونه که براساس اصالت روح، بدن را روح سالم می‌سازد، بنابراین اصالت «خلیفة الله»، مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس و تأمین می‌نماید»^۲.

منابع قانون‌گذاری

از نظر ایشان قانون‌گذار واقعی خداست و خدا از طریق وحی و نزول قرآن، قوانینی را برای انسان‌ها تعیین نموده است. ایشان از قرآن به کتاب جامع سعادت تعبیر می‌کند و بر این باور است که «عمل به دستورات آن باعث سعادت‌مند شدن انسان می‌شود؛ چرا که هر عاملی که در تأمین سعادت انسان‌ها سهم مؤثری دارد، در این کتاب الهی بیان شده است»^۳. علاوه بر این ایشان از عقل نیز به عنوان منبع دیگر قانون‌گذاری یاد می‌کند. اما ایشان حقوق بشر امروزی را از آنجا که از قانون خداوند بی‌بهره است، ناقص می‌داند.

قانون‌گذاری

آیه الله جوادی آملی در کتاب «انتظار بشر از دین» به لزوم وجود قوانین دینی و الهی در

۱. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر موضوعی، ص ۱۳.

۲. همان.

۳. همان.

اجتماع نیز سخن می‌گوید. وی با تأکید به اینکه انسان‌ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی هستند، اجتماع بدون قانون را اجتماعی معرفی می‌کند که در آن خودخواهی انسان‌ها باعث تنازع و ایجاد هرج و مرج می‌شود. از بین رفتن نظم و سلب امنیت مالی و جانی انسان‌ها در یک جامعه بی قانون رخ می‌دهد، از این رو، بشر نیازمند سنت و قانونی است که تمام افراد در مقابل آن تسلیم باشند و در پرتو اجرای آن، نظم و امنیت در جامعه برقرار شود.^۱

در جامعه مدنظری، قانون مقدم بر جامعه است؛ زیرا از سوی خداوند سبحان و برای تأمین سعادت جامعه نازل شده است و بر همین اساس، خداوند، اولین انسان یعنی حضرت آدم علیه السلام را فردی با قانون و دارای نبوت آفرید تا هیچ‌گاه هیچ بشری بدون قانون سعادت بخش نباشد؛ «برخلاف نظام‌های غیر خدایی که جامعه مقدم است بر قانون؛ زیرا قانون، مولود تفکر اندیشوران جامعه می‌باشد».^۲

همچنین در آرمان شهر او در کنار و فراتر از قانون، اخلاق حکمفرماست؛ زیرا «قانون تنها روابط اجتماعی میان مردم را تأمین می‌کند، اما اخلاق هم روابط اجتماعی ما را تکمیل کرده و هم ضعف قانون را ترمیم می‌کند.» از این رو معتقد است «اخلاق علاوه بر تکمیل روابط اجتماعی، ضعف قانون را نیز ترمیم می‌کند».^۳

هدف مدینه فاضله

ایشان اولین هدف نظام اسلامی را که نظام اسلامی دوران غیبت نیز می‌تواند باشد، ساختن مدینه فاضله می‌داند؛ یعنی تربیت انسان‌های سالم و فاضل. ایشان هدف انبیاء را نیز در همین راستا می‌داند. «انبیاء علیهم السلام آمدند برای تأسیس مدینه فاضله. مدینه فاضله گرچه شرایط و ارکان بی‌شماری دارد، ولی نخستین رکن و نخستین شرط و مهم‌ترین اصل، انسان‌های آزاد و آزاده‌اند و انسان‌های آزاده در سایه تهذیب اخلاق آزاد می‌شوند».^۴

۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۵۰.

۲. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه و عدالت، ص ۲۵.

۳. سیدی نیا، سید اکبر، خلافت الهی با تأکید بر دیدگاه آیه الله جوادی آملی، قیاسات، ش ۴۴، ص ۱۴۰.

۴. عبدیائی، نرجس، همان، ص ۳۱.

ایشان تشکیل مدینه فاضله را هدف دوم یا میانی خلقت بشر می داند و در راستای تأمین هدف دوم معتقد است «اگر مردم يك کشور، واجد شرایط مدینه فاضله بودند، می توانند مدینه فاضله تشکیل بدهند، وگرنه آن توان را نخواهند داشت»^۱.

مدینه فاضله مدنظری با تلاش به دست خواهد آمد و این گونه نیست که در جایی دوردست حاضر و آماده منتظر مردم باشد و برای دستیابی به این جزیره خضرا لازم نیست مردم فرسنگ ها راه پیمایند، بلکه باید سفری را از درون خود آغاز کنند. «مدینه فاضله را انسان مَهْدَب می سازد و تهذیب جان انسان در پرتو تعالیم اخلاقی انبیاء است. لذا انبیاء ﷺ قبل از طرح مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و سایر شئون جمعی، به تهذیب روح و اخلاق اشاره کرده اند»^۲.

شهر آرمانی وی نه در جزیره ای ناشناخته است و نه در سرزمینی دوردست. آرمان شهر وی ریشه در درون انسان دارد و تهذیب، دروازه ورود به این آرمان شهر است. ساکنان آرمان شهر او راهیان به سوی خداوند هستند که مدتی در این دنیا منزل گزیده اند. در جامعه وی انبیاء انسان های فاضل به بار می آورند و نه همچون یک مهندس، بلکه همچون یک معمار، افراد مدینه فاضله را می سازند. «بهترین راهی را که انبیاء ﷺ انتخاب کرده اند، این است که انسان را در مقاطع گوناگون فاضل به بار آورده اند. انسان های فاضل، جامعه فاضل و مدینه فاضله را می سازند. هرگز مهندس و معمار نمی تواند مدینه فاضله سازد»^۳. در جامعه دینی وی انبیاء ابتدا اسلوب و معیارها را تبیین می کنند و اصول فنی در مرحله ای بعد قرار می گیرند. «دین در عین حال که به همه علوم بها می دهد و با چشم تکریم می نگرد، معیارهای ارزشی را اول ارائه می کند، بعد اصول و اسلوب فنی را محترم می شمارد و آن زیربنای اولی را انسان های آزاده می داند»^۴.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. جوادی آملی، عبد الله، نسبت دین به دنیا، ج ۲، ص ۷۶.

حکومت مدینه فاضله

مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی مدنظری دارد، دو چیز است: «اول، انسان‌ها را به سوی «خلیفه‌الله» شدن راهنمایی کردن و مقدمات سیر و سلوک آنان را فراهم نمودن و دوم، کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا نمودن، و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن»^۱.

از نظرایشان هدف مهم تأسیس نظام اسلامی مبتنی بر وحی و نبوت، همانا خلیفه‌الله شدن انسان است. در چنین جامعه‌ای انسان کامل یعنی خلیفه‌الله، همه کمال‌های مستخلف‌عنه را که خداوند جهان است، به اندازه سعه هستی خود فراهم نموده و در همه آن کمال‌های وجود، مظهر خداوند سبحان قرار گیرد. وی برخلاف اکثر آرمان‌شهرگرایان که تحقق عدالت، برابری و آزادی را از جمله اهداف اصلی آرمان‌شهر خود معرفی می‌نمایند، قسط و عدل را هدف فرعی یا متوسط حکومت اسلامی می‌داند. «رعایت حقوق فرد و جامعه و تأمین همه مظاهر تمدن، از فروعات خلیفه‌اللهی شدن افراد آن جامعه (آرمانی) می‌باشد»^۲.

از نظرایشان «تجلی گاه اهداف نهایی (خلیفه‌الله) و اهداف میانی (عدالت در جامعه) مدینه فاضله‌ای است که افراد جامعه به یمن تمسک به دین، آن را ایجاد کرده و از وجودش بهره می‌برند»^۳.

مفهوم خلیفه‌الله

ایشان با تمسک به آیات قرآن می‌فرماید که به واسطه کرامت خداوند، انسان در زمین خلیفه‌الله است، اما خلیفه‌ای که در برابر خداوند مستقل نیست. در واقع ارزش خلافت او در سایه ارتباط با مستخلف‌عنه است.

وی تبلور جهان سالم را در دو عامل می‌بیند؛ خلیفه‌الله به عنوان عامل درونی و مدینه

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۲. همان.

۳. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین به دنیا، ج ۲، ص ۲۶.

فاضله به عنوان عامل برونی. به تعبیری ادعا می‌کند که خلیفه الله مانند روح و مدینه فاضله مانند جسم است که مرکزیت با خلیفه الله است و این خلیفه الهی است که عاقبت پایدار است و مدینه فاضله عاقبت نابود می‌شود و می‌پوسد و خلیفه الله به بهشت الهی که از مدینه فاضله والاتر است منتقل می‌شود.^۱

از آنجا که به استناد قرآن همه انسان‌ها بالقوه خلیفه الهی هستند، می‌توان بر مبنای نظریات ایشان این گونه نتیجه گرفت که هنگامی که انسان‌ها در پرتو خلیفه الله بالفعل (انسان کامل) رشد یافتند و مقام خلیفه الهی در آنها نیز به گونه‌ای تحقق یافت، برون دادی وجود خواهد داشت به نام مدینه فاضله؛ هرچند بهشتی برتر از این مدینه زمینی نیز وجود دارد و منتظر آنان است.

امامت و رهبری مدینه فاضله

از نظرایشان، انگیزه نهایی بعثت پیامبران، پیروزی دین خدا بر همه مکتب‌های باطل و منسوخ است و مهم‌ترین عامل تحقق چنین حکومتی نیز رهبری انسان‌های معصوم و به ویژه حضرت ولی عصر (عج) است.^۲

از نظری حضرت ولی عصر (عج) به عنوان انسان کامل، رهبری مدینه فاضله را برعهده دارد.^۳ رهبر با دو رسالت مهم و محوری، مدینه فاضله را تشکیل داده، پیشرفت و تکامل آن را مدیریت می‌کند: یکی رسالت حراست از وحی و اقامه معارف آن و دیگری رسالت حراست از سلامت عقل و بصیرت انسان.^۴ وی از این دو مأموریت با عنوان نخستین سرفصل‌های حکومت حق مهدوی و مبنای هندسه دولت کریمه یاد می‌کند.^۵ به اعتقاد ایشان اولین کاری که امام آرمان شهر می‌کند، «این است که مشکل ما را با

۱. پیام به گردهمایی سعادت و سیادت دنیا و آخرت، ۱۳۸۸.

۲. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر موضوعی، ص ۹۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۵۳.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۲۵۴.

خودمان حل می‌کند». آنگاه مشخص می‌گردد که چه نیرویی در درون ما تصمیم‌گیر خواهد بود، عقل یا شهوت؟ در این صورت است که انسان‌ها به آنچه که می‌دانند عمل می‌کنند و عالم بی عمل وجود نخواهد داشت^۱.

هندس‌ه حکومت اسلامی تا تشکیل مدینه فاضله مهدوی

ایشان با استناد به اصول اسلامی از دو جهت وجود حکومت را در مدینه فاضله و حتی قبل از آن (در عصر غیبت) امر ضرور می‌داند؛ یکی به لحاظ اجرایی؛ یعنی لزوم اجرای احکام اسلامی و برقراری عدالت در جامعه و دیگری به لحاظ سلبی؛ یعنی لزوم نفی حکومت طاغوت و مبارزه با ظلم. ایشان با چنین نگرشی به توضیح اهداف حکومت اسلامی پرداخته است.

وی الگوی نظام اسلامی در عصر غیبت را مدینه فاضله مهدوی می‌داند و معتقد است که در نظام اسلامی عصر غیبت نیز رهبری، نقش اساسی را ایفا می‌کند و اعتبار و مشروعیت همه ساختار و ارکان نظام به اوست. در همین راستا، ویژگی‌های این دو نظام اسلامی در عصر ظهور و غیبت نیز با تفاوت درجات و توجه به اختصاصات آنها در مسیر هم می‌باشد و نظام مبتنی بر ولایت عام امام عصر چشم انداز نظام و مدینه فاضله مهدوی را در پیشرفت و تکامل و زمینه سازی ظهور در نظر دارد.

در این جامعه ولی فقیه، همه اختیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را در اداره جامعه داراست؛ زیرا او در غیبت امام عصر، متولی دین است و باید اسلام را در همه ابعاد و احکام گوناگون اجتماعی اش اجرا نماید^۲.

در حکومت مدنظر ایشان در عصر غیبت که مبتنی بر ولایت فقیه است، همانند حکومت مبتنی بر ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام مردم، ولایت خدا و دین او را می‌پذیرند نه ولایت شخص دیگر را. در نظام اسلامی، هیچ امتیاز حقوقی میان شخص

۱. پیام به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ۱۳۹۰.

۲. میراحمدی، منصور، مردم سالاری دینی در اندیشه آیه الله جوادی آملی، اسراء، ش ۷، بهار ۱۳۹۰، ص ۵۹.

حقیقی رهبر و مردم نیست.^۱

حکومت اسلامی مدنظروی ولایتی است نه وکالتی؛ وی حکومت‌های جهان را از آن جهت که «عقل خود را در ساختن جامعه‌ای مطلوب و رساندن انسان به سعادت نهائی کافی می‌دانند و به همین دلیل، قوانین کشور را خود وضع می‌کنند و هرآنچه اکثر مردم بخواهند، متن قانون خواهد شد؛ اگرچه آن قانون، موافق با وحی الهی نباشد»^۲، وکالتی می‌داند. وی چنین حکومت‌هایی را حکومت مردم بر مردم می‌نامد و با متفاوت دانستن آن، می‌گوید نظام اسلامی «همچون نظام‌های غربی و شرقی نیست که اکثر مردم به دلخواه خود هر کس را با هر شرایطی، وکیل خود برای رهبری سازند؛ بلکه از طریق متخصصان خبره، از میان فقیهان جامع‌الشرایط، بهترین و تواناترین فقیه را شناسایی کرده، ولایت الهی او را می‌پذیرند؛ کسی که مکتب‌شناس و مکتب‌باور و مجری این مکتب است. پذیرش ولایت او در حقیقت، پذیرش مسئولیت اوست؛ نه اینکه به او وکالت دهند»^۳.

نحوه تحقق مدینه فاضله

ایشان معتقد است که اگرچه «هر انسانی می‌کوشد که در فضای مدینه فاضله به سر ببرد، اما مدینه فاضله نه مثل بارانی است که از بالا بیارد، نه مثل آب چشمه و چاهی که از درون زمین کندوکاو بشود»^۴. به عبارتی وی مدینه فاضله را ساختنی و نه یافتنی می‌داند. از این رو می‌گوید: «مدینه فاضله را انسان مُهذَّب می‌سازد و تهذیب جان انسان در پرتو تعالیم اخلاقی انبیاء است»^۵. به طور کلی ایشان اولین نقش سازنده «تهذیب روح» را ایجاد توان تشکیل «مدینه فاضله» می‌داند. در منظروی جامعه‌ای اهل سعادت است که از تهذیب روح نشأت گرفته و بهره‌مند باشد و جامعه یا ملتی سقوط کرده است که از

۱. همان، ص ۶۰.

۲. مجتبی‌زاده، علی «نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت از منظر آیه‌الله جوادی آملی»، حکومت اسلامی، ش ۵۵، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. پیام به همایش آزادی انسان در اسلام، ۱۳۹۰.

۵. همان.

این بارقه الهی محروم باشد. و با استناد به سوره عصر، ایمان و عمل صالح را ابتدا شرط وقوع مدینه فاضله فردی (درونی) و در نهایت مدینه فاضله جمعی (بیرونی) می‌داند.^۱

جایگاه، نقش و مشارکت مردم در مدینه فاضله

به نظر ایشان در نظام اسلامی، مشروعیت حکومت از سوی خداوند است و مردم، هیچ نقشی در مشروعیت بخشیدن به نظام اسلامی ندارند، اما تحقق و فعلیت نظام اسلامی مرهون حضور و مشارکت مردم است. «در حکومت دینی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و مقدرات خود را رقم می‌زنند. آنان می‌توانند با استفاده از حق تکوینی خود، بالاترین حقیقت که پیروی از دین و تعالیم الهی است و عالی‌ترین حقوق خود را که تدین و دین‌داری است در عرصه حکومت بپذیرند یا به کنار گذارند»^۲. «حکومت دینی، بدون حمایت مردم، نه توان تشکیل دارد و نه توان استمرار؛ به گونه‌ای که اگر بالاترین فرد معصوم همانند علی علیه السلام بر صدر آن قرار گیرد، اما مردم از پشتیبانی او و حکومتش سرباز زنند، چنین حکومتی، کارایی نخواهد داشت. پس بُعد معرفتی حتی در سطوح عالی‌اش، بدون بُعد عملی در جامعه اجرا نخواهد شد»^۳.

از نظری ارجح بودن قوانین الهی بر نظر مردم در امر الله به معنای نادیده گرفتن جایگاه و نقش آرای مردم در اداره جامعه نیست. «مردم، شأن و جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای در حکومت دینی دارند که باید محترم شمرده شود و اساساً احترام به شئون ایشان بنابر آنچه در آیات الهی آمده است، منافی ارزش نهادن به احکام و قوانین دینی نیست. لذا اگر حاکم دینی به آرای قانونمند افراد جامعه ارجح می‌نهد، در اصل به امر پروردگار جهان، ارزش و اهمیت گذارده است و اگر به آرای آنان که در حیطة و جایگاه خود ابراز شده، بی‌حرمتی کند، اساساً از امر الهی سرپیچی کرده است»^۴.

۱. همان.

۲. مجتبی زاده، علی، همان، ص ۶۵.

۳. سیدی نیا، سید اکبر، همان، ص ۱۵۱.

۴. عبدیائی، نرجس، همان، ص ۵۱.

حکومت اسلامی مورد نظر ایشان هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم محقق نمی‌شود و تفاوت اساسی آن با حکومت‌های جائز در همین است که حکومت اسلامی، حکومتی مردمی است و بر پایه زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه مردم به دین و حاکم اسلامی صورت می‌پذیرد و ادامه می‌دهد: «هر چه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره‌مندتر باشند و هر چه احکام دینی را بیشتر عمل کنند و هر چه از اتحاد و همبستگی و الفت الهی برخوردار ی بیشتر داشته باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق‌تر است و هیچ‌گاه نباید تصور نمود که اگر مردم با حکومت اسلامی نباشند و اگر مؤمنان راستین کمر همت نبندند، خداوند حکومت اسلامی را برپا می‌دارد»^۱.

حکومت دینی مدنظری در موضعی کاملاً متمایز با دیگر حکومت‌ها، افزون بر آنکه به منافع و مصالح شخصی حاکمان، هیچ‌وقعی نمی‌نهد و توجه به سود ویژه مسئولان را در ساختار خود نمی‌پذیرد، برای اجرای بالاترین حق و حقیقت که مسلماً در پیروی مردم از دین و آموزه‌های آن حاصل می‌شود، اقبال و پذیرش افراد جامعه را دخیل می‌داند و بر همین اساس، شالوده دینی حکومت مورد نظر خویش را بنا می‌کند^۲.

مردم سالاری دینی در مدینه فاضله

در آرمان‌های ایشان مردم سالاری با پسوند دینی وجود دارد، اما مردم سالاری دینی با مفهومی بسیط (در مقابل مرکب) است؛ مقصود از بسیط بودن، عدم ترکیب مردم سالاری با دین و تأکید بر این نکته اساسی است که دین خود ارائه‌دهنده الگویی خاص از مردم سالاری است. وی تفاوت میان مردم سالاری دینی و دموکراسی را چنین بیان می‌کند: در مردم سالاری دینی، مردم فقط در ساحت قدس الهی خاضع‌اند؛ اما در دموکراسی غربی و مردم سالاری غیردینی، طوق طاعت کسی را به گردن می‌نهند که اکثریت آراء را کسب کند^۳. در مدینه فاضله، «نه دولت سالار کسی است و نه ملت؛ هیچ انسانی تحت

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه و عدالت، ص ۲۹.

۲. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین به دنیا، ص ۲۱۲.

۳. لک زایی، س عادت متعالیه از منظر آیه الله جوادی آملی، ص ۹۱.

قیمومیت سالارگونه کسی نیست؛ بلکه عقل مردم، سالارحس آنان و عزم ملت، سالار هوس آنهاست»^۱.

ابعاد رشد در مدینه فاضله

ایشان به اختصار اوصاف رشد در مدینه فاضله را در چهار بخش توضیح می‌دهد: رشد فرهنگی، رشد اقتصادی، فرایند صحیح صنعتی و رشد حقوق داخلی و بین المللی.

در زمینه فرهنگی در مدینه فاضله وی می‌توان ملزومات زیر را از نظریات وی استخراج کرد:^۲

الف- رشد علمی: در این جامعه رشد علمی با تفسیر نظام فاعلی و غایی همراه می‌باشد و همچنین علم مطلوب و رشد یافته، با تزکیه هماهنگ است.
ب- رشد بعد روحی و اخلاقی جامعه: در این جامعه رشد فضایل اخلاقی و تشخیص حق از باطل و عمل به حق، هدف است.

رشد اقتصادی

از نظر ایشان جامعه اسلامی که الگوی مدینه فاضله را دارد، از سیاست گذاری‌های اقتصادی نیز باید به سوی رشد و پیشرفت حرکت کند. همچنین در دیدگاه وی توسعه اقتصادی، به وضعیتی اطلاق می‌شود که امکانات مادی برای رشد و تعالی انسان فراهم آمده است. «اسلام به عنوان دین همه جانبه در رابطه با توسعه اقتصادی حقایقی را بیان کرده که دولت اسلامی باید در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادی برنامه ریزی داشته باشند و از طریق کار و کوشش و تلاش و فعالیت، در این راستا گام بردارد»^۳.

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. عبدیائی، نرجس، همان، ص ۴۹.

۳. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۲۱۳.

رشد صنعتی در مدینه فاضله

ایشان دیگر شاخصه‌های پیشرفت مدینه فاضله را با بعد سیاست گذاری‌های صنعتی، مرتبط می‌داند که لازم است نظام اسلامی در الگوی پیشرفت به آن توجه کند. وی نقش فرایند صنعتی در پیشرفت همه جانبه نظام اسلامی را با توجه به آموزه‌های قرآنی و قرائن آن در زندگی سلیمان نبی، نوح و ذوالقرنین بررسی کرده، ابراز می‌کند که - فرایند صحیح صنعتی در سیره ائمه و پیشوایان دینی مورد ترغیب است. «پیشوایان نظام اسلامی»، عهده دار ترغیب به فراگیری کامل فرایند صحیح صنعتی و تعلیم کیفیت بهره‌برداری از آن می‌باشند.^۱

در آرمان شهری «استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، اما بهره‌برداری از آن در امور تخریبی و تهاجمی و ... هرگز روا نیست.» با این مسئله می‌توان تفاوت میان کار صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کار صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب و مدعی تمدن بررسی نمود.^۲

نحوه تعامل با محیط زیست در مدینه فاضله

همچنین در آرمان شهری توجه به حفظ محیط زیست و حتی توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی کشور، از وظایف مورد توجه کارگزاران پیشرفت صنعتی می‌باشد. «صنایع تجربی موظف‌اند در راستای تأمین سعادت و سلامت همه بشر جهت‌گیری کنند؛ چنان که مکلف‌اند حقوق طبیعی هر موجود دیگر را اعم از دریا و آبزیان هوا و پرنده‌گان و استنشاق کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر را رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل رضایت ندهند»^۳. به عبارتی برگردان نظریات ایشان در باب محیط زیست، مفاهیم نهفته در توسعه پایدار است که بشر امروزه پیگیر آن است. ایشان در کتاب «اسلام و محیط زیست» در فصل «آبادانی زمین و تأسیس مدینه

۱. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر موضوعی، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۲. همان.

۳. جوادی آملی، عبد الله، انتظار بشر از دین، ص ۱۹۵.

فاضله توسط خلیفه الهی» با تأکید بر ربط و پیوند ایمان و عمران بیان می‌دارد که در صوت تبلور مقام خلیفه الهی در فرد و آن‌گاه در جامعه، شاهد شهری محیط زیست مدار نیز خواهیم بود. «از آنجا که انسان جانشین خداوند در روی زمین است، تنها انسان‌هایی می‌توانند به آبادانی و عمران صحیح زمین همت گمارند که اهل ایمان و عمل صالح باشند و به مقام خلیفه الهی خود آگاه و واقف باشند و از انبیای الهی تبعیت کنند. از این رو، بسیاری از مشکلاتی که در زمینه تخریب محیط زیست امروزه در جهان مشاهده می‌شود ثمره حاکمیت افراد بی‌ایمان و فاسد است»^۱.

رشد حقوقی در مدینه فاضله

وی معتقد است: «قوانین اسلامی و مسئولان دینی، عهده دار تبیین و تحقیق رشد حقوق داخلی و بین‌المللی هستند»^۲. در بعد حقوقی ایشان اصول و عواملی را برای سیاست‌گذاری در نظام اسلامی می‌شمارند^۳: اول، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ دوم، رعایت معاهدات بین‌المللی؛ سوم، رعایت امانت و پرهیز از خیانت در اموال و حقوق.

از نظری راه رسیدن به صلح جهانی، جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران و منع از گسترش فساد جهانی است. «به منظور صلح جهانی پایدار، نه تنها نباید به تباهی و ظلم تن داد و به آن مباحثات کرد، بلکه باید جلوه‌هرگونه تعدی را گرفت، وگرنه فساد اولاً زمینه ضعف مراکز عبادی - فرهنگی را فراهم می‌کند و ثانیاً به گستره زمین و اهل آن می‌رسد»^۴.

قلمرو مدینه فاضله

آرمان شهروی از آنجا که با تکیه بر روح خدا طلب انسان‌ها شکل می‌گیرد، یک

۱. عبدیائی، نرجس، همان، ص ۵۱.

۲. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه و عدالت، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۱۶.

۴. همان، ص ۱۸۰.

جامعه متحد و منسجم است. از این رو حد و مرزی ندارد و در واقع مفهوم امت اسلامی را برپیشانی دارد. ایشان استناد می‌کند: «همانطور که اقلیم جغرافیایی، فتوای مجتهد و مرجع تقلید را شرعاً محدود نمی‌کند، قلمرو ولایت فقیه را نیز شرعاً تحدید نمی‌سازد. یک ولی فقیه، شرعاً می‌تواند همه جوامع اسلامی روی زمین را اداره کند، البته در صورتی که محدودیت خارجی وجود نداشته باشد»^۱. البته این فقط مختص عصر غیبت است و گرنه که در آرمان شهر مهدوی به طریق اولی، محدودیت‌های ایجاد شده توسط دیگر حکومت‌ها برچیده خواهد شد و قلمرو آن، سراسر زمین خواهد بود.

هنر، علم و آموزش در مدینه فاضله

ایشان با تعیین سه ضلع به نام شناخت انسان، شناخت جهان و پیوند انسان و جهان اظهار می‌دارد که در صورت شناسایی صحیح این سه ضلع، علوم انسانی و تجربی و ریاضی با یکدیگر هماهنگ خواهند شد. ایشان ادامه می‌دهد که موضوع محوری علوم انسانی، انسان است و از طرفی مصرف علوم تجربی، نیمه تجربی، ریاضی و مانند آن برای انسان است. «اگر انسان خود را شناخت و دیگران را شناخت قهراً در بهره‌برداری از این علوم تجربی و ریاضی کامیاب و موفق است و اگر خود را نشناخت و دیگران را نشناخت و نظام را نشناخت در بهره‌برداری از علوم تجربی و ریاضی کامیاب نخواهد بود این ناکامی مربوط به جهل علمی یا جهالت عملی انسان است»^۲.

در آرمان شهری امر معقول به پشتوانه عقل محسوس می‌شود و به واسطه کاربست این مبنا در علوم و هنرهای مختلف از جمله معماری و شهرسازی، جامعه حسی به جامعه عقلی تبدیل می‌گردد. «اگر سخن از جامعه مدنی است، اگر سخن از مدینه فاضله است، اگر سخن از جامعه برین است، اگر سخن از ظهور و انتظار است، ... این حتماً باید از طبیعت به ماوراء طبیعت یک هجرتی کرده باشد. پس این قوس صعود، یعنی سفر از طبیعت به ماوراء طبیعت وقتی مطلوب توده جامعه است که هنرمندان جامعه از بالا یک پیام را بیاورند

۱. مجتبی‌زاده، علی، همان، ص ۶۵.

۲. پیام به افتتاحیه بخش تحول علوم انسانی نمایشگاه قرآن کریم، ص ۱۳۹۱.

به گوش جامعه برسانند و دست جامعه را بگیرند و از پایین به بالا ببرند، یعنی تافره‌یختگان جامعه قوس نزول نداشته باشند و از عقل به حس نیایند و معقول را محسوس نکنند و طعم عقلانیت را جامعه نچشد، هرگز از حس به عقل سفر نمی‌کنند»^۱.

ایشان مهم‌ترین شاخص هنراسلامی را «توان ترسیم معقول در کسوت محسوس و قدرت تصویر غیب در جامه شهادت» می‌داند و می‌گوید هنرهای غیراسلامی چون جایی در جهان معقول و ملکوت نداشتند و از عقل منفصل و بی‌بهره و از مثال منفصل بی‌نصیب‌اند و فقط از وهم و خیال متصل استمداد می‌کنند، هرگز مایه عقلی نداشته و ره آورد غیبی ندارند؛ «زیرا مکتبی که ماده را اصیل می‌داند و موجود غیرمادی را خرافه می‌پندارد و مجرد و غیب را افسانه تلقی می‌کند، هیچ‌گاه پیامی از عالم عقل و غیب ندارد و هرگز هدفی جز وهم و خیال نخواهد داشت»^۲.

در جامعه آرمانی وی مراکز آموزشی و پرورشی جایگاه مهمی دارند؛ زیرا مهم‌ترین کاری را که انسان در تأسیس مدینه فاضله یا نظام عقل و عدل و مانند آن دارد، پرورش انسان‌های صالح صادق می‌داند و بهترین راه برای پرورش انسان صالح صادق را نیز بلاواسطه تأسیس مراکز حوزوی و دانشگاهی و باواسطه تبلیغ در سطح عموم جامعه می‌داند. در مدینه فاضله وی رشد و پیشرفت از موضوعات اساسی است. اما «این پیشرفت، سطحی، تک بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست؛ بلکه راه و سیاستی می‌باشد که با احکام و قوانین الهی آمیخته شده است»^۳.

امنیت در مدینه فاضله

ایشان تأمین وحدت و امنیت جامعه مد نظر خود را مستلزم ایجاد اتحاد و امنیت شخصی می‌داند. «وقتی امنیت عمومی تأمین می‌شود که هر فردی در قلمرو مسئولیت

۱. همان.

۲. همان.

۳. سوزنجی، حسین، ص ۷۶.

خود امین باشد و امین الله الگوی زندگی او باشد»^۱. ایشان امنیت ملی جامعه را در گرو امنیت محلی می‌داند؛ امنیتی که از اتحاد هر کس با خویشتن خویش برمی‌خیزد و در جامعه تعمیم می‌یابد.^۲ «هر کدام از ما باید با خودمان متحد باشیم، اولاً هر کدام از ما در قلمرو خودی خود باید امین باشیم، ثانیاً اگر تک تک ما با خود متحد بودیم و در محدود خود امین بودیم، با برادران و همکارانمان متحد و امین بودیم، بعد می‌توانیم شهر یا استان یا کشور واحد امینی داشته باشیم»^۳.

امنیت جامعه مدنظری محصول هماهنگی شهروندان متدین و مسئولان متعهد است و تأمین چنین هم‌آوایی کارآمد را در گرو مدیریت همه‌جانبه انسان‌های وارسته می‌داند. در جامعه مدنظری به واسطه امامت انسان کامل، انسان‌ها به اهمیت گوهر درونی خود واقف می‌شوند و ایمان، اعتقاد و انسانیت خود را از دستبرد غفلت و گناه مصون می‌دارند. بدین ترتیب هر فرد خودش را ایمن می‌کند و در سایه آن می‌تواند امنیت دیگران را برقرار نماید. این ویژگی خاصه در قوای انتظامی و قضایی جامعه مدنظری برجسته تر است. ضمناً می‌توان از بیانات ایشان این گونه استنباط نمود که در آرمان شهر وی به واسطه تعالی انسان‌ها به تدریج بسیاری از مراکز فساد، زندان‌ها و ... از جامعه رخت خواهند بربست؛ یعنی اوج آن جامعه، جامعه‌ای عاری از فساد خواهد بود. این موقعیت را می‌توان با آرمان شهر یکی از اندیشمندان غربی مقایسه نمود که زندان و کاباره نداشت. یکی از تفاوت‌های این آرمان شهر با آرمان شهر آیه الله جوادی آملی این است که از ابتدا مراکز فساد و تنبه در آن وجود ندارد، اما در آرمان شهر آیه الله جوادی به تدریج این مراکز برچیده خواهد شد.

در جدول ۲ می‌توان ویژگی و چگونگی هریک از نقاط کلیدی مطرح در نظریات آرمان شهرگرایی آیه الله جوادی آملی را در قالب چند واژه کلیدی خلاصه نمود.

۱. پیام به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ۱۳۹۰.

۲. همان.

۳. همان.

جدول ۲: چيستی و چگونگی نقاط کلیدی مدینه فاضله در آراء آیه الله جوادی آملی - مأخذ: نگارنده

مختصات عقیدتی:	چگونگی؟	مختصات انسانی:	چگونگی؟	مختصات کالبدی:	چگونگی؟	مختصات اجرایی:	چگونگی؟
انسان	خلیفه الله	رهبر	ولی عصر (عج)	کالبد	فانی و هدف متوسط	مکان	کل زمین
خداوند	مبدأ و مقصد هستی	مردم	مؤمن و مسافر الی الله	شکل شهر	ذکر نشده	قلمرو	کل زمین
دین	نوعی مدرسه	جامعه	امت اسلامی	زیرساخت ها	ذکر نشده	دوام	بسته به رفتار مردم
اخلاق	در کنار قانون	آموزش	لازم	ارتباطات	ذکر نشده	قانون	منطبق با احکام الهی
هدف افراد	تحقق خلیفه شدن الهی	هنر	محسوس کننده امر معقول	حمل و نقل	ذکر نشده	اقتصاد	در جهت تعالی انسان
عقل	ابزار ناکافی	علم	ابزار	معماری	ذکر نشده	قانون گزار	در اصول خداوند و در فروع نمایندگان مردم
عبادت	نیاز	نخبگان	تقوا پیشگان	کاربری ها	ذکر نشده	نحوه تحقق	خواست مردم
مبدأ	خداوند عالم	حاکم	انسان کامل				
مقصد	خداوند	تفکیک	بر اساس تقوا				
هدف جامعه	متحد و سعادت مند	فرهنگ	ترکیب علم و اخلاق				
ریشه	تعالیم و حیاتی	ساکنان	کل انسان ها				رعایت بهداشت
							حکومت
							محیط
							تحقق
							مشارکت
							کار

ساختار کلی آرای آرمان شهری آیه الله جوادی آملی

یکی از موارد قابل تحلیل در نظریات آرمانشهری وی تعداد نقاط کلیدی است که در آن نظریات یافت می شود. پژوهش حاضر نشان می دهد ابعاد مختلفی از یک آرمان شهر و جامعه مطلوب در آثار ایشان وجود دارد. ابعادی شامل توجه به خداوند، دین، خلیفه الله و امام که سر در ملکوت دارند و ابعادی شامل توجه به انسان، جامعه، محیط و حکومت که پا در ناسوت دارد. این ویژگی را می توان در سایه استدلال زیر توجیه نمود. ایشان یک اندیشمند اسلامی است و نظریات ایشان بر دین اسلام متکی است؛ دین اسلام به عنوان دینی جامع و کامل که به ابعاد مختلفی از ملک تا ملکوت توجه می کند. لذا طبیعتاً ایشان به عنوان یک اسلام شناس بر ابعاد مختلف مورد توجه اسلام آگاهی دارد (تعدد و تنوع آثار ایشان نیز گواه جامعیت ایشان است) و بدین واسطه نقاط کلیدی تفکرات آرمان شهری وی تقریباً جامع است، هر چند کامل نیست.

بعد دیگر تحلیل عقاید آرمان شهری، ارتباط بین نقاط کلیدی شناخته شده در آثار اندیشمند است، به طوری که اگر ارتباط معناداری بین این نقاط کلیدی نباشد یا بین آنها تناقض وجود داشته باشد، می توان گفت که این آرمان شهر تحقق نخواهد یافت، وگرنه قابل تحقق است. تفکرات آرمان شهری آیه الله جوادی آملی هم نقاط کلیدی متنوعی دارد و هم ارتباط معناداری نیز میان آنها وجود دارد. ابعاد مطرح شده از تفکرات ایشان در این مقاله نشان می دهد تناقض خاصی بین این نقاط کلیدی وجود ندارد و می توان گفت که آرمان شهری وی تحقق خواهد یافت.

موضوع دیگر شخصیت آرمان شهرگرایی ایشان است. اصولاً آن گونه که از آثار ایشان برمی آید وی یک اندیشمند انقلابی، مستقل و صاحب سبک نیست، بلکه اندیشمندی است متکی بر سنت که با قرار گرفتن در ادامه سلسله عالمان مسلمان پیش از خود در پی اصلاح، تفسیر، شفاف سازی و تکمیل ابعاد کمتر مطرح شده مکتب اسلام است. لذا آرمان شهری هم که از آثار ایشان برمی آید یک آرمان شهر کاملاً بدیع و جدید نیست، بلکه ایشان بیشتر پرده از جنبه های مختلف آرمان شهر موعود مدنظر اسلام برمی دارد. بنابراین ایشان به طور کلی اندیشمندی است آرمان شهرنما نه آرمان شهرگر؛ آرمان شهرنمایی که آرمان شهر موعود مدنظر اسلام را که مدینه فاضله مهدوی هم نام می گیرد، معرفی می نماید.

همچنین یکی از ویژگی‌های آرمان شهر مدنظری همانند بسیاری از آرمان شهرگرایان مسلمان پیش از خود، از آنجا که براساس مبانی اسلامی است، به گونه‌ای متفاوت با آرمان شهرهای غربی (ای کارای کابه، فالانستر فوریه، هماهنگی نوین رابرت اوئن و ...) ظاهر می‌شود. به صورتی که آرای آرمان شهری اغلب اندیشمندان مسلمان با قرارگیری در جایگاه والا به موارد کلی و عمده می‌پردازند و از ریزش‌شدن در مسائل جزئی، کالبدی و ملموس می‌پرهیزند؛ زیرا در حالی که ابتدای اکثر آرمان شهرهای غربی بر فلسفه غربی به عنوان فلسفه‌ای مبتنی بر جنبه‌های مادی و حسی است، تکیه فلسفه اسلام بر استفاده از مادیات برای حصول به معنویات است؛ فلسفه‌ای که انسان را مسافری به سوی خداوند می‌داند و چند روزی را در قفس تن در دنیا به سر می‌برد. از این رو در آرای آیه الله جوادی آملی پیرامون مدینه فاضله به ندرت سخنی از ابعاد مادی، کالبدی و ملموس مدینه فاضله مانند زیرساخت‌ها، راه‌ها، شکل شهر و ... یافت می‌شود. به نظر می‌رسد نه تنها ایشان، بلکه اندیشمندان مسلمان پیش از ایشان و اصولاً مکتب اسلام ساختارگرا هستند؛ یعنی چارچوب‌ها و حدود اصلی را مشخص می‌نمایند و تا زمانی که به اصول خدشه وارد نشود، حدود ثابت و یگانه‌ای برای جزئیات و فروع قائل نمی‌شوند و اجازه وجود تنوع، تعدد و آزادی را در قالب یک چارچوب کلی به اجزا ساختاری دین، آداب و رسوم و از جمله مدینه فاضله می‌دهند. لذا آرمان شهر مورد نظر مکتب اسلام که آیه الله جوادی آملی به تشریح آن می‌پردازد، می‌تواند در هر نقطه جغرافیایی از زمین با احترام به اقلیم، آداب و رسوم صحیح و آن موقعیت خاص شکل بگیرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد آیه الله جوادی آملی به عنوان اندیشمندی مسلمان، با تکیه بر مکتب جامع اسلام ضمن اینکه به نمایاندن (و نه خلق) آرمان شهر موعود اسلام که آرمان شهر مهدوی هم نام دارد می‌پردازد، به تبیین مدل حکومت اسلامی در عصر غیبت نیز همت می‌گمارد؛ حکومتی که از آرمان شهر مهدوی الگو می‌گیرد. بررسی نقاط کلیدی آرای آرمان شهرگرایی در آثار ایشان نشان می‌دهد اول، آرمان شهری که وی معرفی می‌کند از این جهت که تحقق پذیر است، مدینه فاضله است و نه ناکجاآباد. دوم، این

مدینه فاضله ساختنی است و نه یافتنی. سوم این مدینه فاضله هدف ثانوی بشر محسوب می‌شود؛ چهارم، تحقق آن در سطح جامعه در گرو تحقق مدینه فاضله در سطح تک تک افراد جامعه و یا پیروی آگاهانه از افرادی کامل و فاضل که تجلی مقام خلیفه الهی باشند، است. تحقق مدینه فاضله فردی نیز در گرو ایمان به پروردگار و انجام اعمال صالح است.

فهرست منابع

۱. ابوالقاسم زاده، مجید، «ماهیت گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه استاد جوادی آملی»، رواق اندیشه، ش ۴۶، ۱۳۸۴ ش.
۲. اذکایی (سپیتمان)، پرویز، «دادشهرابن سینا»، نشریه چیستا، شماره ۲۳، ۱۳۶۴ ش.
۳. اصیل، حجت‌الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشرنی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۴. پارسانیا، حمید، «فلسفه حقوق بشر از دیدگاه آیه الله جوادی آملی»، اسراء، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موعود موجود، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۶. _____، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۸، تهران، رجا، ۱۳۷۴ ش.
۷. _____، سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، تفسیر موضوعی، ج ۹، قم، اسراء، ۱۳۸۶ ش.
۸. _____، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ج ۳، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۹. _____، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. _____، مبادی اخلاق در قرآن، تفسیر موضوعی، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. _____، مجموعه سخنرانی‌ها پیرامون ولایت فقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. _____، نسبت دین به دنیا، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. _____، ولایت فقیه و ولایت فقه و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.

۱۴. _____، انتظار بشراز دین، قم، اسراء، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. _____، بنیان مرصوص امام خمینی، ج ۶، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. حسینی کوهساری، اسحاق، تاریخ فلسفه اسلامی، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۸۷، ش.
۱۷. دانشنامه پرسش دینی، ۱۳۹۱ www.wikiporsesh.ir
۱۸. سلطان محمدی، ابوالفضل، «جایگاه سیاست در اندیشه شیخ بهایی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (عج)، ش ۱۸، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. سوزنجی، حسین، علم دینی از منظر آیه الله جوادی آملی، اسراء، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹.
۲۰. سیدی نیا، سید اکبر، «خلافت الهی»؛ با تأکید بر دیدگاه آیه الله جوادی آملی، قبسات، ش ۴۴، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. صدرالدین شیرازی، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی.
۲۲. عبدیائی، نرجس، «ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیه الله جوادی آملی»، نشریه انتظار موعود، ش ۳۰، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. علی آبادی، محمد، «شهر خداوند (تصویری از ساختار معنایی آرمان شهر اسلامی)»، آدینه، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. فارابی، ابونصر محمد، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه و تحشیه: سید جعفر سجادی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش.
۲۵. لک زایی، رضا، سعادت متعالیه از منظر آیه الله جوادی آملی، اسراء، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰.
۲۶. لک زایی، رضا، سعادت متعالیه از منظر آیه الله جوادی آملی، اسراء، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰.
۲۷. مجتبی زاده، علی، «نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت از منظر آیه الله جوادی آملی»، حکومت اسلامی، ش ۵۵، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۷، ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۳۰. منابعی برای کسب اطلاعات بیشتر:
۳۱. میراحمدی، منصور، «مردم سالاری دینی در اندیشه آیه الله جوادی آملی»، اسراء، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰.
۳۲. میری، محمدجواد، «سفیراسلام ناب، نگاهی به زندگی و اندیشه آیه الله جوادی آملی»، سوره، ش ۷، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. یوسفیان، حسن؛ محمدصادق، علی پور، «فلسفه امامت در اندیشه فارابی»، نشریه فلسفه دین، سال هشتم، ش ۱۰، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. (URL ۱) - پیام به افتتاحیه بخش تحول علوم انسانی نمایشگاه قرآن کریم، ۱۳۹۱.
۳۵. (URL ۲) - پیام به همایش آزادی انسان در اسلام، ۱۳۹۰.
۳۶. (URL ۳) - پیام به گردهمایی سعادت و سیادت دنیا و آخرت، ۱۳۸۸.
۳۷. (URL ۴) - پیام به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ۱۳۹۰.
۳۸. (URL ۵) - پیام به بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۰.
۳۹. (URL ۶) - خبرگزاری قرآنی ایران www.iqna.ir.
۴۰. (URL ۷) - سایت بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء www.portal.esra.ir